

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

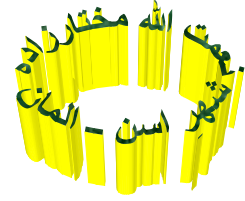
چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز



از قول سادات :

اخطارک و مختارک ، بر ( تی وی ) اشرارک

گفتند به پُر روئی ، گفته یکی کفتارک

بر حضرته سیمین ، دعوتگر گلبدین

بنموده چرا توهین ، نامردک بد کارک

بیچاره شده تحقیر ، با امثله و تعبیر

بامعنی و با تفسیر ، بی بندک و بی بارک

یک سوء تفاهم شد ، بیهوده به غم غم شد  
بالا کَمَکی دُم شد ، بی قیزه و افسارک  
این بنده ، حمیدی را ، آن پیرِ شرابی را  
تِریاکی و بنگی را ، جدا دهم اخطارک  
" فوراً ز وفا باید ، مردانه عذر خواهد  
جُرمانه بپردازد ، دیگر نَشَه تکرارک "  
ورنه کنمش تکفیر ، در بین جوان و پیر  
با سوتِه و با زنجیر ، یعنی شوه مُردارک  
خواهش کنم ، از الآن ، این قصه شود پایان  
ای جمله وطنداران ، هُشدار و خبردارک  
ای مؤمن و ای ناثر ، وی کافر و ای شاعر  
سادات دهد آخر ، اخطارک و هُشدارک

#### از قول نویسنده :

حالا شنو از بنده ، زین نملهُ شرمنده  
مُلائی یخن کنده ، ای چلی مکارک  
بس کن دگر از تمثیل ، خاموش ، ز قال و قیل  
ای پَشَه گوه فیل ، خوراکِ تو بسیارک  
ای مفسدِ بدکاره ، بد کیشِ دهن پاره  
گر جانِ تو می خاره ، این نشتر و این خارک  
افشا شدی درعالم ، سیمین به غم و ماتم  
با چهره چون شلغم ، تا دوسیه شد وارک  
این چالِ مُلانی را ، نیرنگِ سیاسی را

نقصان و کمائی را ، کُل گشته خبردارک  
پول هاره ، همه برده ، از زنده و از مرده  
یعنی خپ و چُپ خورده ، سیمینک چوتارک  
با ضربه فیودالی ، بانک هاره کده خالی  
از تالی و از والی ، با خورجین و خرکارک  
گه پشقل و گه سرگین ، بالا و هم از پایین  
با عشوه و با تمکین ، هر لحظه دوسه چارک  
( سیمین ) و ( کچل رحمان ) جنگ ناخنتکا چالان  
با خورجین و با پالان ، نه کُرته و شلوارک  
بالآخره دعوا شد ، ( سیمین ) دگه رُسوا شد  
ناچار سر پاشد ، آن طالبه غدارک  
رفته بر ( مسکینیار ) تا عذر کند بسیار  
شاید که شوه همکار ، با پوندک و دینارک  
بیچاره مسکینیار ، بر دالر و بر دینار  
تسلیم شدی ناچار ، با کم کم و بسیارک  
( سیمین لچرک ) اما ! ، با مکر چنین گفتا  
پرسان کنم از مُلا ، بعداً نظر إصدارک  
زیرا که ( ملازاده ) ، بنموده مرا صیغه  
لازم اگه میدانه ، بعداً شروع ، این کارک  
دیدید وطنداران ، این طایفه شیطان  
از مذهب و دین ، دوکان ، بقالک و بنجارک  
اینها همه یک چالست ، چون بودنه و گالست  
هم دلده و هم دالست ، از احمق و زردارک

بس ، سازک دینی را ، بس ، رقص سیاسی را  
بس ، شعبده بازی را ، بی چپلی و پیزارک  
از مابقی جریان ، « نعمت » بکند پرسان  
بعداً به وطنداران ، افشاکنه یکبارک

( دهم سپتمبر 2011 )